

بازخوانی و معرفی ویژگیهای نسخه خطی مفتاح الفتوح شریف کرمانی

محمود وهابی گوکی، محمدرضا صرفی*، عنایت‌الله شریف‌پور

گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهید باهنر کرمان، کرمان، ایران.

دی ۱۴۰۱، دوره ۱۵، شماره پیاپی ۸۰، صص ۹۹-۱۱۷

DOI: 10.22034/bahareadab.2023.15.6647

نشریه علمی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی

(بهار ادب)

چکیده:

هدف و زمینه: آثاری که از گذشته باقی مانده است، میراث فرهنگی یک سرزمین بشمار می‌آید و اطلاعات گسترده‌ای در زمینه ساختار فکری، اعتقادی و زبانی مؤلفان خود در اختیار نسل امروز قرار میدهد. آفرینش آثار ادبی در ادوار مختلف دچار فرازونشیبهایی بوده است. در برخی دوره‌ها و از جمله در دوره قاجار، براساس تحولات سیاسی و مناسبت‌هایی که در حکومتها برقرار بوده است، روشها و سبکهای مختلفی پدیدار شده‌اند؛ بگونه‌ای که سالهایی از دوره قاجار از لحاظ آفرینش آثار نثر و نظم بسیار غنی و متنوع بوده است. یکی از این آثار متاح الفتوح اثر میرزا محمدحسین شریف کرمانی است.

روش مطالعه: در این جستار با رویکرد سبک‌شناسی و روش تحلیل محتوا و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای اثر یادشده بررسی شده است.

یافته‌ها: «مفتاح‌الفتوح» کتابی است به نثر از آثار میرزا محمدحسین شریف کرمانی، مشتمل بر ایراد معجزات، بیان نبردها و حالات حضرت علی (ع) در نبرد با ناکثین، قاسطین و مارقین. این کتاب بدلیل تلاش مؤلف برای تزئین کلام و بکارگیری عبارات بدیع و آوردن اشعار زیبا از شاعران مختلف و همچنین شاهد آوردن آیات و احادیث و ترکیبهای زیبا در مدح علی (ع)، از سبکی مقبول و دلپسند برخوردار است.

نتیجه‌گیری: مفتاح الفتوح از یک سو بدلیل ویژگیهای محتوایی و باورهای مذهبی و درج روایات تاریخی حائز اهمیت است و از سوی دیگر از نظر تبخّر و تسلط مؤلف بر ادبیات و فرهنگ و آداب و رسوم جامعه و استفاده از آثار فولکلوریک. بعلاوه مفتاح الفتوح از لحاظ منابع و محتوا بر نقل روایتهای تاریخی از کتب معتبر شیعه و سنی از جمله کتاب *الفی* استوار است. مفتاح الفتوح از نظر بکارگیری ادبیات فولکلوریک و مرتبط با فرهنگ عامه، قدرت نویسندگی مؤلف، بیان محکم و استفاده از شگردهای فرازوفرود داستانی برای ایجاد کشش در روایتهای تاریخی و ایجاد هیجان و رغبت در مخاطب، کاربرد اشعار پندآموز، عبارت‌پردازیهایی بدیع، و ترکیب‌سازیهایی نو قابل توجه و تعمق است.

تاریخ دریافت: ۰۹ آبان ۱۴۰۰
تاریخ داوری: ۱۱ آذر ۱۴۰۰
تاریخ اصلاح: ۲۷ آذر ۱۴۰۰
تاریخ پذیرش: ۱۲ بهمن ۱۴۰۰

کلمات کلیدی:

حضرت علی (ع)، مفتاح‌الفتوح، میرزا محمدحسین شریف کرمانی، سبک‌شناسی، نسخ خطی.

* نویسنده مسئول:

✉ msarfi@uk.ac.ir
☎ ۰۹۸ ۳۴ ۳۱۳۲۳۰۶۶



ORIGINAL RESEARCH ARTICLE

Reviewing and Introducing the Features of Sharif kermani’s Meftah al-Fotoh Manuscript

M. Wahhabi Guki, M.R. Sarfi*, E. Sharifpour

Department of Persian Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, Shahid Bahonar University of Kerman, Kerman, Iran.

ARTICLE INFO

Article History:

Received: 31 October 2021
 Reviewed: 02 November 2021
 Revised: 18 December 2021
 Accepted: 01 February 2022

KEYWORDS

Hazrat Ali (peace be upon him),
 Meftah Al- fotoh, Mirza Mohhammad
 Hosein Sharif kermani, stylistics,
 Manuscript.

*Corresponding Author

✉ msarfi@uk.ac.ir

☎ (+98 34) 31323066

ABSTRACT




BACKGROUND AND OBJECTIVES: The works left from the past are considered the cultural heritage of a land and provide extensive information about the intellectual, belief and linguistic structure of its authors to today's generation. The creation of literary works has had ups and downs in different periods. In some periods, including the Qajar period, based on political developments and occasions that have been established in governments, different methods and styles have emerged; In such a way that the years of the Qajar period have been very rich and diverse in terms of the creation of works of prose and poetry.

METHODOLOGY: In this study, the work of the mentioned work has been studied with the stylistic approach and content analysis method and using the library resources.

FINDINGS: Meftah al-Futuh is a book of prose by the works of Mirza Mohammad Hossein Sharif Kermani, including the performance of miracles, the expression of battles and the states of Imam Ali (as) in the battle with the Nakesin, Qaseteen and Mareqin. This book has an acceptable and pleasant style due to the author's efforts to decorate the words and use novel expressions and bring beautiful poems from different poets, as well as bringing beautiful verses, hadiths and combinations in praise of Ali (AS).

CONCLUSION: Meftah Al-Futuh is important on the one hand due to its content characteristics and religious beliefs and the inclusion of historical narrations, and on the other hand in terms of the author's mastery of literature, culture and customs of society and the use of folklore works. In addition, in terms of sources and content, Meftah al-Futuh is based on quoting historical narrations from authentic Shiite and Sunni books, including the book Al-Fi. Al-Muftah al-Futuh in terms of using folklore literature related to popular culture, the author's writing power, strong expression and the use of narrative tricks to create tension in historical narratives and create excitement and desire in the audience, use instructive poems, original phrases, and new combinations Attention and contemplation.

DOI: [10.22034/bahareadab.2023.15.6647](https://doi.org/10.22034/bahareadab.2023.15.6647)

| NUMBER OF REFERENCES | NUMBER OF TABLES | NUMBER OF FIGURES |
|---|--|--|
|  15 |  0 |  0 |

مقدمه

در تاریخ ادبیات و فرهنگ مردم ایران، پژوهشهای مربوط به تصحیح نسخه‌های خطی جایگاه ویژه‌ای دارد. بعضی از متون و نسخه‌ها بدلیل اشتغال بر مسائل عمومی و موردنیاز تمام اقشار ملت و نیز بسبب ویژگیهای هنری و ادبی خاص خود، مورد توجه بیشتری واقع شده‌اند و از آنها تصحیحات متعددی ارائه شده است. در کنار این دسته از متون، با متونی مواجه میشویم که کمتر مورد توجه واقع شده‌اند و متن منقح و قابل استفاده همگان از آنها در دست نیست. در این میان بخصوص به آثار منطقه‌ای کمتر توجه شده است. حال آنکه این آثار دارای ارزشهای فوق‌العاده فرهنگی و ادبی نیز میباشند. از جمله نویسندگان بزرگی که آثار او ناشناخته است، میتوان به میرزا محمدحسین بن محمدعلی شریف کرمانی اشاره کرد. بخش عمده آثار او در حوزه ادبیات آیینی است. یکی از این آثار گراندقدر به نام *مفتاح‌الفتوح*، در بیان وقایع اسلام، با تکیه بر زندگی و کرامات امیرالمؤمنین (ع) است. حضور مفتاح‌الفتوح در میان آثار تاریخی و ادبی کرمان میتواند برای محققان تاریخ، ادبیات آیینی و مردم‌شناسی منبع باارزشی تلقی شود.

سابقه پژوهش

نسخه خطی *مفتاح‌الفتوح* اثر محمدحسین شریف کرمانی، از یک سو بدلیل ویژگیهای محتوایی و باورهای مذهبی و استفاده از منابع معتبر و قابل استناد اهل سنت و شیعه و درج روایات و داستانهای تاریخی اهمیتی ویژه دارد و از سوی دیگر بدلیل تبخر و تسلط مؤلف بر ادبیات، فرهنگ، آداب و رسوم جامعه، بکارگیری ادبیات فولکلوریک و مرتبط با فرهنگ عامه (مقدمه *مفتاح‌الفتوح*: ص ۳۴؛ ۴۵؛ ۱۱۷؛ ۵۲) مهم تلقی میشود. قدرت نویسندگی، بیان محکم و استفاده از شگردهای فرازوفرود داستانی برای ایجاد کشش در روایتهای تاریخی و ایجاد هیجان و رغبت در مخاطب، کاربرد اشعار پندآموز، عبارت‌پردازیهای بدیع، و ترکیب‌سازیهای نو نیز از نکته‌های قابل توجه این متن است. از این کتاب سه نسخه موجود است. دو نسخه در مجموعه‌های کتابخانه آیه‌الله مرعشی نجفی و دانشگاه اصفهان و نسخه‌ای دیگر از این کتاب نیز در کتابخانه مجمع ذخایر اسلامی موجود است. موضوع این مقاله معرفی نسخه موجود در کتابخانه آیه‌الله مرعشی نجفی است که تا کنون معرفی نشده و هیچ اثر پژوهشی مستقلی در مورد آن انجام نشده است و این اثر نخستین کار پژوهشی در این حوزه است.

نسخه در دست تحقیق به خط نستعلیق تحریری نگاشته شده؛ اگرچه «در اواخر دوره قاجار برای نوشتن اینگونه متون غالباً از خط نسخ استفاده میشده است» (هاشمی‌نژاد، ۱۳۹۹: ۲۵۴)؛ چنانکه نسخه دیگری از همین کتاب به خط نسخ موجود است. البته پاره‌ای از کتابها که مخاطبان خاص و دانش‌آموخته داشته‌اند، به خطوط نستعلیق تحریری نگارش یافته‌اند. نگارش کتاب به خط نستعلیق تحریری بدلیل خوش‌خوانی و دلنشینی این خط است؛ زیرا کتاب باوجود آنکه مخاطب عام داشته است، توسط واعظین، درست مثل خواندن *روضه‌الشهدای* کاشفی سبزواری، در مراسم مختلف از رو خوانده میشده و خواندن کتابهایی که با استفاده از خطوط نستعلیق و تحریری نگارش یافته‌اند، علاوه بر استفاده از مطالب علمی و تاریخی کتاب، مایه حظ بصر را نیز فراهم میکرده و در دلنشین شدن مطالب مؤثر بوده است. چنانکه مولانا با اشاره به اهمیت زیبایی بصری آثار مکتوب، گفته است:

گویشم شنید قصه ایمان و مست شد کو قسم چشم؟ صورت ایمانم آرزوست (دیوان شمس: ۱۳۱)

روش مطالعه

این جستار با تدقیق در سبک‌زبانی و بلاغی آثار ادبی دوره قاجار و مطالعه موردی *مفتاح‌الفتوح* و با بهره‌گیری از روش توصیفی و تحلیل سبک‌شناسی و نیز استفاده از منابع کتابخانه‌ای صورت پذیرفته و در صدد تحلیل مهمترین ویژگیهای سبکی و زبانی اثر یادشده است.

بحث و بررسی

درباره نویسنده: ملّا محمدحسین شریف کرمانی، فرزند محمدعلی، از علما و واعظان قرن سیزدهم هجری است. وی معاصر فتحعلی‌شاه قاجار است. نویسنده کتاب *برغم آنکه* در روزگار خود دارای مناصب و مشاغل درباری مهم بوده و در دربار فتحعلی‌شاه قاجار خدمات گوناگون سیاسی و اجتماعی را بعهدہ داشته، تقریباً ناشناخته است. ناشناس ماندن وی تا حد زیادی بسبب سنتهای رایج در روزگاران پیشین بوده است که برمبنای آن، اثر را از صاحب اثر مهمتر تلقی میکرده‌اند و ماندگاری آثار را بی‌نیاز از دانستن نام و نسب و القاب صاحب اثر میدانسته‌اند. بعلاوه برمبنای اندیشه‌های عرفانی، حفظ نام و معرفی خود را نوعی ابراز منیت می‌شمرده‌اند که با هدف والای عرفان، یعنی فنای نفس و خود را ندیدن در تقابل بوده است. از اینرو تمایل چندانی به حفظ نام و بیان ویژگیهای فردی خود احساس نمی‌کرده‌اند. نویسنده در معرفی خود به عبارت: «بنده ضعیف ابن محمدعلی کرمانی محمدحسین الشریف (روضه حسینیّه: ۶۴) بسنده کرده است.

اطلاعات ما در حال حاضر از نویسنده کتاب منحصر میشود به اطلاعات ناقص و شتابزده‌ای که خود نویسنده در مقدمه آثار و گاه بطریق حدیث نفس، و به مناسبتی خاص در متن آثارش به آنها اشاره کرده است. میرزا محمدحسین شریف کرمانی در اواخر قرن دوازدهم در کرمان متولد شده است. با توجه به نکته‌ای که در ابتدای کتاب *ریاض‌الفضایل* آورده، تاریخ دقیق تولد او را میتوان بروشنی استنباط نمود. وی میگوید: «در زمان یک هزار و دوپست و پنجاه و هفت هجری که هفتاد مرحله از عمر گذشته و مدت عنفوان جوانی سپری گشته» (ریاض‌الفضایل، نسخه خطی: ۶ الف). با کسر نمودن هفتاد از هزار و دوپست و پنجاه و هفت، سال ۱۱۸۷ بدست می‌آید که سال تولد اوست؛ اما سال وفات وی مشخص نیست و قرینه‌ای برای تعیین آن بدست نیامد (۱).

از فحوای نوشته‌های او برمی‌آید که در دربار شاهان قاجار، بویژه فتحعلی‌شاه به کار دیوانی مشغول بوده است؛ لکن از این منصب و مشغله چندان راضی نبوده و از سکونت در تهران و گرفتاری در بند هلاکات آن شهر گریزان بوده است (مفتاح‌الفتوح: ۳). چنانکه میگوید: «به رای آفتاب‌ضیای عارفان معارف ربّانی، ناهجان مناهج نکته‌سنجی و نکته‌دانی معروض میدارد که این افتاده بستر ضعف و ناتوانی و درمانده ورطه رنجوری و خسته‌جانی، محمدحسین شریف کرمانی، مدت بیست و پنج سال قبل از این، با وجود خدمات دیوانی و مشاغل دنیای دنیّه فانی که سنین و شهور عمر پر نکال از اربعین به خمسین رسید و زمان بهار فرح‌فزای جوانی و شباب که به رسم طراوت و خضارت گلزار کامرانی، پرشتاب مینمود و قوای نامیه در نشوونما بود، از نموّ نمایش و ترقی و فزایش، به حدّ وقوف و تنزل قرین گردید و در آن مدت مدید و زمان بعید، در این سرای پست و بلند که پستیش زیاده از چون و چند و بلندی او سراسر گزند بود، به پستی و بلندی بسی دوید و حدیث امرا و سلاطین و حکام و خوانین را بر راحت و آسایش گزید. بالأخره بجز خسارت و ندامت فایده ندید و گلی در این گلزار پر خار نچید و حاصلی بجز بیحاصلی، حاصل نگردید. با خود اندیشید که ای غافل! تا چند جاهلی و از سکرِ علایق و عوایق دنیوی لایعقل؟ کاری کن که به کارت آید و فکری که عقده غفلت از کارت گشاید» (همان: ۳).

ملا محمد حسین شریف کرمانی علاوه بر مفتاح‌الفتوح، دو کتاب دیگر به نامهای *روضه‌الحسینیه* و *ریاض‌الفضائل* نوشته است. *روضه‌الحسینیه* در فضائل و مصائب ائمه معصومین علیهم‌السلام نوشته شده و مشتمل بر مقدمه‌ای در آیات وارده در شأن آن حضرات و خاتمه‌ای در معجزات آن بزرگواران است. *ریاض‌الفضائل فی فضائل الائمة الوسائل* بنوعی در زمره فضایل نگاریهاست و به جنبه‌های گوناگون اعجاز ائمه معصومین (ع) و بیان مناقب آنها اختصاص دارد و متضمن احادیث غریبه در معجزات و فضایل ائمه است. آنچه در کتابهای شریف کرمانی جلب توجه میکند و بر دلنشینی مطالب میفزاید، از سویی مرهون نثر پخته و فرهیخته کتاب و از سوی دیگر مدیون بیان پرکشش داستانی و شیوه روایتگری مؤلف است.

موضوع کتاب: موضوع کتاب *مفتاح‌الفتوح* جنگها و معجزات امام‌المتقین، امیرالمؤمنین (ع) است. نویسنده، که مسلمانی معتقد و از پیروان شیعه دوازده امامی است و ارادتی ویژه به اهل بیت و پیشوای شیعیان دارد و همچنین تاریخ‌نگاری خوش ذوق و خلاق است، بهانه‌ای پیدا میکند تا «بر تألیف کتابی تازه همت گمارد که غزوات و معجزات جناب حلال مشکلات را در آن نگارد» (همان: ۴). وی در سبب تألیف کتاب بیان کرده است که «علت غایی و سبب کلی در تألیف و تحریر این کتاب بجهت نایره خوابی است که یکی از دوستان دیده بود و برمبنای آن خواب، اعجاز امام زمان شامل حال این مخالفت‌سگال گردید که انجام آن نسخه شریفه به خاطر گذشت و به اختتام پیوست. ان شاء الله در این هفتاد که بنیاد عمر بر باد و از جور ستم‌کیشان بدنهاد خاطر ناشاد است تا از جرایم بیپایان رسته و رقیه خود را با آن عروه متین بسته باشد» (همان: ۸).

شریف کرمانی بیان میکند که مدتی در جستجوی منابع معتبری بود که به هدف عالی خودش نایل شود تا اینکه کتاب «تاریخ الفی» را که مصنف آن اهل سنت بود و به قول نویسنده، طریقه تقیه را پیموده و به همه جهت دور از انصاف نبود و مانند متعصبان ناصف، چشم از حق نبوشیده و کشف و وصاف غزوات و معجزات بود و تاریخ زندگانی پیامبر اکرم (ص) را از زمان هجرت تا هزار سال به تفصیل بیان کرده بود (همانجا) یافت و آن را مبنای نگارش اثر خود قرار داد. وی یادآور میشود که این کتاب را از دست محمد رضا میرزا فرزند فتحعلی شاه قاجار دریافت کرده است. *تاریخ الفی* را میتوان جامعترین تاریخ عمومی به زبان فارسی دانست که به روش سالشمار درباره تاریخ سرزمینهای اسلامی همچون شبه جزیره عربستان، ایران، شبه قاره هند، آسیای صغیر، آفریقای شمالی، ماوراءالنهر و دیگر مناطق مسلمان‌نشین تألیف شده است. (نفیسی، ۱۳۴۲: ۷۷۳). تاریخ الفی از نظر نقل روایات مختلف درباره وقایع و موضوعات گوناگون از مفصلترین مآخذ دوره هزارساله تاریخ ملتها و دولتهای اسلامی است. البته شریف کرمانی علاوه بر تاریخ الفی، از منابع معتبر دیگری همچون *روضه‌الاحباب فی سیر النبی والاکل میرمحدث*، صحیح مسلم بخاری، تاریخ یافعی، شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، حلیه الاولیای ابونعیم اصفهانی، مناقب ابن شهر آشوب و ... نیز بهره برده است؛ لکن آنچه بیشتر مشهود و چشمگیرتر است، ذکر نام *تاریخ الفی* است که در چندین جای کتاب بصورت متواتر اتفاق افتاده و احتمالاً بیشترین استفاده را از این اثر داشته است. شریف کرمانی اذعان میکند که با مراجعه به متون معتبر تاریخی و روایی شیعه، «بعضی از معجزات امیرالمؤمنین که در آن ازمنه و شهور در غزوات و اسفار ظاهر گشته و در کتاب الفی نبود، ضمیمه این رساله ساخته که جامعیت آن تمام روشندلان صافی‌ضمیر را از مطالعه و ملاحظه آن قرین مرام و شادکام گرداند» (همانجا). وی برای نجات از زحمت و مهلکه تهران، تألیف این کتاب شریف را که شامل غزوات و معجزات امام‌المتقین، امیرالمؤمنین میباشد، بهانه قرار داده و ظاهراً به کرمان بازگشته و در همین شهر تألیف آن را بیپایان رسانده است.

وجه تسمیه و سبب تألیف کتاب: مؤلف، که از دیوانیان دستگاه پادشاهی در زمان فتحعلی شاه قاجار است، از وضعیت خود ناراضی است، بویژه اینکه از زندگی در تهران بسیار ملول گشته و بدنبال راه خلاص است. تا اینکه یکی از دوستان اهل قائن که مدت‌ها در کرمان متوقف بوده و در روضه‌خوانی و مجلس‌گردانی با او دوست بود (همان: ۳)، شبی در عالم رؤیا شنید که شاه ولایت‌پناه به این بلد تشریف آورده و این بلد را از جمال خدای‌نمای، ثانی سدره‌المنتهی کرده است. در عالم خواب به هزار شوق و شغف روانه خدمت شاهنشاه لوگشیف شده، از ذوق در آستانه زانو زده، متوجه جمال و جلال کبریایی گردید و مؤلف عاصی را دید که در خدمت اقدس امام زمان شرفیاب است و کتاب *ریاض‌الفضایل* در خدمت سعادت شامل نهاده و مؤلف ضعیف، بر جمال انور مظهرالله، نور دیده گشاده، شاهنشاه لولاک داستان معاویه... و رزم صفین را بیان میفرماید و به لسان کوثرترجمان پرده از شرح گلشن راز می‌گشاید. بعد از بیداری، آخوند مذکور نقل این خواب را، نقل مجلس احباب و اصحاب نمود (همان: ۳)؛ اما شریف کرمانی آن را چندان جدی نگرفت و «بجهت مشاغل دیوانی و سnoch سوانح آسمانی و گرفتاری علایق و عوایق نفسانی و شداید امور دنیای دنییه فانی و غفلت و نسیان که لازمه طبع انسانی است، خواب مذکور از نظر... محو گشته... تا اینکه در زمان یک هزار و دویست و پنجاه و هفت هجری که هفتاد مرحله از عمر گذشته و... بعلت سوانحات دهر دون و ناملايمات زمانه بوقلمون در دارالخلافة طهران، قرین ملالت و مرارت بیکران دنیوی بود» (همان: ۴). خواب مزبور را بهانه خلاصی از مقامات درباری قرار میدهد، به کرمان باز میگردد و به نگارش *مفتاح الفتوح* روی می‌آورد. جالب آن است که بعد از اتمام این رساله، لطف امام شامل وی شده و از گرفتاری دارالخلافة تهران خلاص میشود... و این رساله را به *مفتاح/الفتوح* مسمی میکند (همان: ۹).

ویژگیهای سبکی *مفتاح الفتوح*

مفتاح الفتوح دارای سبکی بسیار دلنشین و زیباست. شریف کرمانی علاوه بر بهره‌گیری از آرایه‌ها و صنایع لفظی مانند جناس و سجع و واج آرایی، توجهی ویژه به فنون سخنوری و طرز بیان عالمانه و واعظانه داشته است و این امر از یک سو به جذابیت موضوع و جنبه‌های تراژیک مطالبی که بیان نموده است، برمیگردد و از سوی دیگر مرهون لطافت بیان و توانمندی نویسنده در استفاده از امکانات نثر فارسی است. باید توجه داشت که یکی از ویژگیهای مهم *مفتاح الفتوح* آن است که نوشته شده تا بر سر جمع با صدای بلند و آهنگین خوانده شود. از اینرو برای نویسنده، تنها بیان مطالب اهمیت ندارد. در کنار اهمیت موضوع و درونمایه، شیوه بیان نیز حایز اهمیت فراوان است. بهمین سبب، نویسنده پیوسته درصدد است که به شکلهای مختلف، توجه مخاطبان را به خود جلب کند و تا پایان هر گفتار، مانع پراکندگی خاطر آنها شود تا به این طریق بتواند کلام خود را مؤثر کند و تأثیری پایا و طولانی مدت بر شنونده بگذارد. از اینرو همچون خطیبی توانا، معمولاً سخن خود را با آیات قرآن، احادیث، اشعار و ضرب‌المثلهای آراسته میکند. از کلمات زیبا، فصیح و خوش‌آهنگ بهره میگیرد. جملات خود را به قرینه‌هایی تقسیم میکند تا ضمن کوتاه‌سازی جمله‌ها، آنها را آهنگین نماید. به تناسب واژه‌ها با هم و با موضوع توجه میکند و از میان واژگان به ظاهر مترادفی که امکان انتخاب آنها را دارد، مناسبترین را برمیگزیند. به کلام خود نظم‌ی شایسته و منطقی میبخشد. انسجام گفتار را با شگردهای گوناگون حفظ میکند و برای آنکه یک موضوع را از ابعاد مختلف مورد واکاوی قرار دهد و سبب شود که مخاطب ضمن لذت بردن از استماع مطالب، آنها را بشکل دقیق بفهمد و به موضوع از چشم‌اندازهای مختلف بنگرد و با تغییر چشم‌اندازها، هر بار به شکلی از مطلب لذت ببرد، به اطناب

روی می‌آورد تا به این طریق بتواند به تهییج و اقناع مخاطب توفیق یابد. ابتدا به ذکر برخی از مهمترین ویژگیهای زبانی این اثر می‌پردازیم.

نثر ساده و آهنگین: از آنجاکه مخاطبان وی از نظر میزان سواد و وابستگی به طبقات اجتماعی، بسیار متنوع هستند، نویسنده باید شیوه‌ای را انتخاب نماید که کلام او برای همگان قابل فهم باشد و درعینحال مخاطبان خاص احساس ملال نکنند و بتوانند آنچه را که جویای آن هستند، از کلام دریافت کنند. لذا نویسنده به ساده‌گویی روی می‌آورد و در همان حال تلاش میکند سخنش دارای ابعاد گوناگون معنایی و دارای مراتب و به عبارت دیگر، چندمعنایی شود تا هرکس مطابق توان و سلیقه خود به درک جنبه‌ای از آن نایل شود.

محمدحسین شریف با استفاده از آرایه‌هایی از قبیل سجع، جناس، موازنه و با ساختن ترکیبهای لغوی جدید جنبه آهنگین سخن خود را پیوسته حفظ میکند. جنبه‌های موسیقایی و آهنگ لطیف و دلربای نثر یکی از ویژگیهای عالی نثر آن است که از ابتدا تا انتهای کتاب، خودنمایی میکند و نشان میدهد نویسنده آگاهانه به این امر توجه داشته است. وی برای افزودن به جنبه آهنگین کلام، در مطاوی اثر خود، هر جا که مناسب تشخیص میدهد، از آثار بزرگانی چون سعدی، حافظ، کلیم، محتشم، و مولوی استفاده مینماید. استفاده مزجی از آیات و احادیث که موجب دوگانگی آهنگ نثر میشود، در تقویت جنبه‌های موسیقایی نثر وی مؤثر واقع شده است؛ چنانکه در نمونه زیر مشاهده میشود:

«پروردگاری قدیم که دستِ غواصِ اندیشه و خیال، از غوصِ مجمع‌البحرینِ صفاتِ کمالش، کوتاه که: «عَجَزَ الواصفونَ عَن صِفَتِكَ» و زبانِ تبیانِ واقفانِ موافقِ کمال از بیانِ توصیفِ جلالش به عجز و قصور همراه که: «أَلَا أَحْصَى ثَنَاءً عَلَيْكَ أَنْتَ كَمَا أَثْنَيْتَ عَلَيَّ نَفْسُكَ». آفریدگاری رحیم که مجمع‌البیان «ماعرِفناکَ حق معرفتک» با بیان مسکنت و ضراعت دمساز که:

بارخدا یا مهیمنی و مقدس وز همه عیبی منزهی و مبرا
ما نتوانیم حق حمد تو گفتن با همه کروبیان عالم بالا
(همان: ۳)

استفاده از آیات و احادیث: شریف کرمانی بکرات از آیات و احادیث برای بسط مطلب یا بعنوان شاهد استفاده کرده است. وی غالباً به ترجمه و گاه به تفسیر آیات و احادیث نیز می‌پردازد تا فهم آن را برای مستمعین خود ساده سازد.

«شاه دربادل که دستِ گوهرفشانش، جیب و دامان غواصانِ عثمانِ بینوایی را مخزنِ لثالی متلألی نموده که: «يَخْرُجُ مِنْهُمَا اللَّوْلُوءُ وَ الْمَرْجَانُ» و سیف مسلول جان‌ستانش، کقار و فجار را برهان قاطعی است ماحصل «شواظٌ مِنْ نَارٍ وَ نَحَاسٌ فَلَا تَنْتَصِرَانُ».

آن شاه که او قسیم نار است و جنان در ملک و ملک صاحب سیف است و سنان
ملک دو جهان مستخر اوست، ولی این را به سنان گرفت و آن را به سه نان
(همان: ۳)

نکته جالبی که در بهره‌گیری از آیات و احادیث در این کتاب حائز اهمیت است، پیوند و ارتباط وثیقی است که عبارات عربی با عبارات فارسی یافته‌اند. تا جایی که برای مخاطب این احساس بوجود می‌آید که ملازمه دو زبان امری طبیعی است و هر یک بدون دیگری ناقص میماند. بعنوان نمونه میگوید: «از کثوسِ خُمخانه» «عیناً فیها تُسَمَّى سلسبیلیا» باده‌نوش و با «حورٌ مقصوراتٌ فی الخیام» دست در آغوش آمدند و بعضی از پیمانۀ پیمان ساقی

کوثر جام «و یُسْقُونُ فِيهَا كَأْساً كَان مَزَاجُهَا سَلْسَبِيلاً» سرمست گشته و با شاهدان گل‌رخسار بهشتی دست به دست داده، پایبست حجلهٔ وصال شدند و جمعی که از مصطبهٔ زهد و تقوی قدم بیرون نهاده و قتال با مشرکین را آماده بوده، و از کاسات اجل و دستبرد سپاه دغل، شربت شهادت نوشیدند و ساقی باقی آنها را بادهٔ دوستکامی «و یسقون فیها کاساً کان مزاجها کافورا» چشانید (همان: ۱۷۳).

استفادهٔ مکرر از اشعار فارسی و عربی: آمیزش شعر و نثر یکی از ویژگیهای مهم آثار ادبی فارسی است و از قدیمترین نمونه‌های نثر تا امروز، این ویژگی در آثار ادبی بچشم میخورد. اشعار فارسی موردنظر در مفتح الفتح غالباً به سعدی، فردوسی، حافظ، خاقان (فتحعلی شاه قاجار) و محتشم کاشانی، و در موارد متعدد، به خود نویسنده، تعلق دارند و سرودهٔ خود وی هستند. وی هر جا که از اشعار عربی استفاده کرده، غالباً ترجمهٔ کامل و بندرت ترجمهٔ مضمون و حاصل سخن را بازگو نموده است؛ چنانکه در نمونهٔ زیر مشاهده میشود:

«از مطاعن او، اشعث بن قیس، مرتد شده، از دین برگشته و به لشکر کفر داخل شد. خالد ولید او را در جنگ بگرفت و نزد ابوبکر فرستاد و اشعث حسب الشرع مستحق قتل بود، با خود فکر کرد که اشعث از اکابر عرب است و او و پدر او را چون چندین خدمتکار بود، اجرای شرع با او نکرد و خواهر خود را به زنی با او داد و گفت اگر در جاهلیت بودی، این فخر ما را میسر نشدی؛ و اسبغ بن حرمه قصیده‌ای در این باب گفته، یک شعر او این است:

أ کَانَ ثَوَابُ النِّکَاحِ أَحِبَّاءَ نَفْسِهِ / وَ کَانَ ثَوَابُ الْکُفْرِ تَرْوِیجَهُ الْبِکْرَى
یعنی به جزای مرتد شدن، او را زنده گذاشتی و به جزای کافر شدن، خواهر بکر را به او حواله نمودی.
امام وقت و خلیفه رسول چنین باید؟ (همان: ۱۶).

کاربرد امثال و حکم فارسی و عربی: بمنظور محسوس نمودن مطالب، در موارد متعدد، از امثال و حکم فارسی و عربی بهره گرفته است. ضمن اینکه معنا و مصداق و کاربرد امثال عربی را نیز غالباً خود بروشنی بیان نموده است:

«برادر ایمانی گرامیتر از جسمانی است «الاقارب کالعقارب اذاها// فلا تفرح بعم او بخال» (همان: ۳۵). در جایی دیگر میگوید:

«هرزه‌گویی و بادپیمایی / میکشد عاقبت به رسوایی» (همان: ۵۲)

در جای دیگر گفته است:

آدمی را عقل باید در بدن / ورنه جان در کالبد دارد حمار» (همان: ۱۴۵) و نیز:

روز دوازدهم وقت نماز پیشین در چاشتگاه «کالشمس فی الرابعه النهار» وارد بر کوفهٔ محنت آثار گردید» (همان: ۷۰).

حجاج بن عزیز گفت، ای امیر باتمیز! دنیاطلبان، فریب دنیاداران را میخورند و رشتهٔ «ذَلَّ مَنْ طَمَعَ وَ عَزَّ مَنْ قَنَعَ» را به دشنهٔ حرص و آرزوی میبرند و همیشه حسرت کشند و بجهت حبّ جاه و جمع زخارف دنیوی در کشاکش «نوشته‌اند بر ایوان جنت المأوی / که هر که عشوهٔ دنیا خرید، وای به وی»

و بر خلیفه یقین باشد که این مردم نه همین از دست این دو حاکم شاکی و بدعملی این دو نفر را حاکی میباشند، بلکه تمامی رعیت بلاد و امصار همین حالت را دارند و از زشتی افعال و قباحت اعمال عمّال تو در آزارند و از آنها بیزار «بر هر که مینگری به همین درد مبتلاست» (همان: ۶۸).

اطناب هنری: نویسنده برای آنکه لذت دیدن مطالب گوناگون را به خواننده بچشاند و یک موضوع را از ابعاد گوناگون بازنمایی کند، به اطناب هنری که غالباً دلچسب است، روی آورده است. این مشخصه همواره ذهن خواننده

را برای حفظ و بخاطر سپردن مطالب کتاب کمک مینماید. در فن معانی یک فایده اطناب «تکمیل» است و «تحقیق و توضیح» از دیگر فواید آن و بحث «تکرار جمله» در این مقوله میگنجد (آهنی، ۱۳۳۹: ۱۷۷-۱۷۸). معمولاً اگر خواننده عادی ملاک عمل باشد، «اطناب» بهترین طریق بیان مطالب برای افراد خالی الذهن است و به نظر یکی از استادان «باید توجه داشت که اطناب در ادبیات ناپسند نیست، زیرا مطالب ادبی که عمدتاً بیان عواطف و احساسات از قبیل عشق و نفرت و مرگ و زندگی ... است، خودبخود شیرین و دلپسند و مؤثر است، تا چه رسد به اینکه با زبانی ادبی و بیانی هنرمندانه ایراد گردد» (شمیسا، ۱۳۷۷: ۱۴۶). «مرویسست که در آن زمان که خلیفه پیغمبر آخرالزمان و شهریار ممالک امکان و لامکان، امیرمؤمنان در محل ذی قار نزول اجلال فرمودند و حشر انجم‌مثال در آن هنگام شرفیاب رکاب فیروزی‌اشتمال، کسب سعادت و اقبال مینمودند. ابن عباس گوید که من در صباحی در حضور شرافت حضور داشتم که آن حضرت از شرح گلشن راز و بیان مختصر نافع کتاب اعجاز پرده گشودند و به من فرمودند که امروز بیست کتیبه از کتائب لشکر به امداد ما می‌آیند و کیفیت مددکاری و حق‌گزاری خود را ظاهر و هویدا مینمایند» (مفتاح‌الفتوح: ۱۴۸-۱۴۹).

مضمون کلی سخن شریف کرمانی را میتوان در عبارت «زمانی که امیر مؤمنان در ذی قار بودند و لشکریان به حضور ایشان می‌آمدند» خلاصه کرد. ذوق هنری نویسنده بدرستی دریافته است که اینگونه بیان، روح اثر را از آن میگیرد و کتاب را به یک گزارش ساده خبری تنزل مقام میدهد، لذا به اطناب روی آورده و هر جا که زمینه مناسبی دیده است، با عبارت‌پردازیهای هنری به بسط کلام اقدام نموده است. این ویژگی در سراسر کتاب کاملاً مشهود است.

نثر ترغیبی و عاطفی: یکی از روشهای میرزا محمدحسین شریف در کتابت مفتاح‌الفتوح، ترغیب مخاطبان و تهییج و اقتناع آنهاست؛ لذا مدام احساسات و عواطف خوانندگان و مخاطبان در مرکز توجه گوینده قرار میگیرد. نثر ترغیبی و عاطفی، مخاطب‌محور است و زمانی مطرح میشود که هدف از ارتباط زبانی، ایجاد واکنش نزد مخاطب باشد. جملات دارای ساخت امری بارزترین نمونه نقش ترغیبی هستند. بدیهی است که امکان تعیین ارزش صدق و کذب در مورد جملات امری موضوعیت ندارد. جمله دارای نقش ترغیبی میتواند عقل یا عاطفه مخاطب را هدف قرار دهد. در اموری نظیر انجام کار، ترغیب عقل و در امور زیبایی‌شناسانه، ترغیب احساس و عاطفه مد نظر قرار میگیرد (گیرو، ۱۹۷۳: ۲۱). نقش عاطفی بنوعی در تقابل با نقش ارجاعی قرار میگیرد. درحالیکه نقش عاطفی سعی در افزودن به تنوعات معنایی دارد، نقش ارجاعی زمانی به حداکثر کارایی خود میرسد که جلو هر نوع چندگانگی معنایی گرفته شود (رفیعی و صحرایی، ۱۳۹۰: ۲-۳). در زیر نمونه‌ای از اینگونه نثر ذکر میشود.

«صعصعه بن صوحان برخاست و گفت: ای مردمان! بدانید که بندگان را از امام و راهنمایی چاره نیست و عامه و خواص و عام را به غیر از امام زمان ملجأ و ملاذ کیست که چاره ضلالت آنها را نماید و راه هدایت به جهت آنها بگشاید؟ دین ایشان را برپای دارد و بر اصلاح امر معاد و معاش آنها همت گمارد و شفقت و مرحمت آورد؟ حق خاص و عام مساوی باشد، به فریب دنیای دنیّه فریفته نشود و به ذخایر و حطام این عجزه بیوفا شیفته نگردد و از منهج سداد و طریق رشاد، انحراف نوزد و از طریقه عدل و انصاف اختلاف جایز نداند و الحمدلله که حضرت امیرالمؤمنین و امام‌المتّقین به جمیع فضایل روحانی و خصایل مَلکی و علم و حلم آراسته و به تمامی محامد نفسانی و محاسن قدسی و انسانی پیراسته، در مکارم اخلاق و خُلُق حَسَن در عالم طاق است و در صفات حمیده و اخلاق پسندیده، محمود و محسود انفس و آفاق، موارث علوم و رسوم انبیا و اوصیا را وارث است و اتحاد ممکنات

و کاینات را علت غایی و باعث. برادر با جان برابر رسول است و سیف الله المسلول. جامع جمیع صفات کمال ذوالجلال است و مجتمع تمامی مراتب جلال و جمال لایزال» (همان: ۱۴۶-۱۴۷).

بعلاوه، بهمین سبب است که عبارات خطابی در این اثر بوفور دیده میشود؛ چنانکه در زیر مشاهده میشود: «آن حضرت به منبر بالا رفتند و حمد و ثنای خدا را بجای آوردند و صلوات بر رسول (ص) فرستادند، پس فرمودند: ایهاالناس بدرستی که دنیا شیرین و سبز است و جلوه میدهد برای مردم لذتها را و زینت میدهد در نظر ایشان خوشیهای حاضر را. و به خدا قسم که فریب میدهد هر که را که به او آرزومند است و خلاف میکند با هر که به او امید دارد. و زود باشد که برساند فردا به گروهی ندامت و حسرت را بسبب اینکه رو آورده‌اند به او و رغبت نموده‌اند در او و حسد برده‌اند و دشمنی کرده‌اند با اهل دین و فضل در آن، از روی ظلم و عدوان و بغی. و به خدا قسم که هیچ قومی هرگز روزگار نگذرانیده‌اند در عیش و خوشی و نعمت خدا در معاش دنیا و نه در تقوی و طاعت و شکر نعمت» (همان: ۱۹۰-۱۹۱).

گفتگو نگاری: میرزا محمدحسین شریف کرمانی در موارد متعدد از گفتگو بین شخصیتها در واقعه‌نگاری استفاده کرده است. استفاده از گفتگو بجای روایت محض، سبب میشود وقایع طبیعی بنظر برسند و با حذف راوی، شنونده یا خواننده خود را مستقیماً شاهد وقایع احساس کند و بدین ترتیب، مطالبی را که میبیند، برایش ملموس و باورپذیر شود. علاوه بر گفتگو بین شخصیتها، گاه شریف کرمانی با مستمعین و مخاطبان خود وارد گفتگو میشود و با طرح پرسشهایی، آنان را دخیل در واقعه مینماید و از اینکه شنونده محض باشند و منفعلانه وقایع را دنبال کنند، آنها را به مشارکت‌کننده در ایجاد روایت و عمل داستانی تبدیل میکند. «پرسید که از کجا می‌آیی و به کدام ناحیت بار اقامت می‌گشایی؟ گفت: از جانب امام برحق و پیشوای مطلق، سرور اختیار و سردار ابرار، شاه متقی و شهریار زکی نقی که مکارمش رضی و اخلافش مرضی وصی پیغمبر محمود است. گفت: به نزد که نامزدی و غرض تو از ورود چه مطلوب و چه مقصود؟ گفت: به نزد مردی فرومایه مأمورم که پایه قدرش، پستترین پایه است و شیطانش، همسایه. از درگاه الهی، مطرود است و اذیت و اضرار مسلمانان مقصود. کارش با مردم، پیکار است، و پیوسته مخادعتش، کار. و خذلان و طغیانش، شعار. از آن عملش، گرم بازار است و برغم گمان شما اینکه بر شما امیر است و امارتش ویرانساز عمارات وجود صغیر و کبیر» (همان: ۲۲۸).

آوردن داستان و حکایت در مطاوی کلام: استفاده از داستان و حکایت میان اهل منبر و روضه‌خوانان و روضه‌نویسان امری طبیعی است. آنها به مناسبت‌های مختلف و با توجه به حال و مقام و بطریق تداعی معانی، گاه رشته اصلی بیان ماجرا را قطع مینمایند و به بیان داستان یا حکایتی از زندگی قهرمانان روی می‌آورند و مجدداً با گرفتن نتیجه دلخواه، به داستان اصلی روی می‌آورند و ماجرای اصلی را پی میگیرند. این ویژگی یکی از ویژگیهای عام و پرکاربرد در مفتاح الفتوح است؛ زرینکوب از این شیوه بیان با عنوان بلاغت منبری یاد کرده و در توصیف آن گفته است خطیب ماهر با توجه به حال و هوای مجلس و در نظر گرفتن سطح فهم و درک مخاطبان به سخنوری میپردازد و به اقتضای مطلب، مدام از این شاخه به آن شاخه می‌رود (زرین کوب، ۱۳۸۲: ۶۰). بعنوان نمونه توجه به صفحات آغازین هر مجلس این ویژگی را بشکل کامل نمایان میسازد و بعلت طولانی بودن این حکایات، از ذکر نمونه در این قسمت پرهیز شد.

توصیف و تجسم صحنه‌ها: یکی از نشانه‌های موفقیت میرزا محمدحسین شریف در نگارش مفتاح الفتوح آن است که با مهارتهای کلامی خود، کاری میکند که مخاطب، خود را در وسط صحنه‌های مبارزه و قتال احساس مینماید و گمان میکند آنچه بر سر قهرمان می‌رود، گویا برای خود وی اتفاق افتاده است. با بوقوع پیوستن چنین

حالتی، متن مفتاح تأثیر مطلوب و نهایی خود را بر شنونده میگذارد. شریف کرمانی با بهره‌گیری از شگردهای گوناگون، این تجسم را برای مخاطبان خود ایجاد مینماید. نمونه‌های زیر این خصیصه را در آثار وی بخوبی نشان میدهد.

«پس ابی این خلف پیش‌دستی نمود، تیغ خارا شکاف را بر آن حضرت فرود آورد. شهریار زبردست، با سپر، ضربت آن پلنگ خصلت را رد ساخته و به یک ضرب ذوالفقار، دست و یک شانه او را جدا ساخته و به ضربتی دیگر چنان بر کاسه سرش زدند که سرش پرید و پیشش به خاک افتاد و طعمه مور و مار گردید و از اجساد قتیلان، روی دشت و هامون از خون گلگون شد» (همان: ۱۸۴-۱۸۵).

و در ماجرای قتل عثمان بیان میدارد: «کنانه ابن بشر الحصبی درآمده و عمودی بر سر او زده که درغلطید و سیدان ابن حمران شمشیری بر او فرود آورد که کارش را تمام سازد و او را به خاک هلاک اندازد. ناله، زوجه او که زنی بود مردانه، عاشقانه خود را بر روی او انداخت و خود را میان او و شمشیر حایل ساخت. بعضی از انگشتان او مقطوع شد و عثمان به قفا افتاد و آن جماعت که به درون خانه در ستیز بودند، تمامی بر سر او ریخته از ضربتهای پیاپی، رشته حیاتش را گسیختند و پیچانش ساختند و به خاک هلاکش انداختند» (همان: ۸۶).

تداعی: بلاغت منبری در موارد متعدد وابسته به جرّ جرّار کلام است. گوینده مطلبی را آغاز میکند و سپس، خود را به جریان کلام میسپارد و با اندک نشانه‌ای، از موضوعی به موضوع دیگر منتقل میشود. واژه‌ها و عناصر حکایت هر یک به نوبه خود تداعیگر حکایت و نکته‌ای میشوند، شعری را به خاطر گوینده می‌آورند، او را به بیان ضرب‌المثلی میکشانند، وادار به گرفتن نتیجه اخلاقی یا عرفانی میسازند، پند و اندرز یا توصیه و وعظی را بر زبانش جاری میسازند، او را به توصیف و تحلیل واقعه‌ای میکشانند و خلاصه کلام آنکه زمینه انتقال از یک مطلب به مطلب یا مطالب دیگر را برایش فراهم مینمایند. بدین ترتیب «جزای گسسته و گوناگون کلام به هم میپیوندند و مطالبی را که بدون نقشه قبلی در زبان مجلس گویان شکل گرفته را، بصورت یک اثر مرتبط، منظم و واحد نمایان میکنند. بر اساس این اصل، موضوع یا مطلب یا داستان یا جزئی از داستان و حتی واژه‌ای، ذهن او را به مطلبی جدید میکشانند و هر مطلب همچون جوانه‌ای از شاخه سر برمیکنند» (زرین کوب، ۱۳۶۴، ج ۱: ۱۶۵). نمونه زیر چگونگی تداعی معانی را روشن میسازد:

«او را مادری بود. از شهادت فرزند آزرده‌خاطر گشت و فغانش از سمک گذشت و بیتی خواند که مضمونش این است که بارخدا یا مسلم، پسر من، این قوم را دعوت به کتاب الله و سنت رسول الله -صلی الله علیه و آله- نمود و این قوم او را به خواری کشتند. گویند که چون حامل مصحف شهید شد، شاه مردان پس از شهادت مسلم نوجوان، سران و سرخیلان سپاه را طلبید و مجدداً به مواظ و وصایایی که مذکور شد، تأکید اکید فرمود و مصمم قتال گردید.

| | |
|----------------------------|-------------------------|
| چو آن شاه را رای بر جنگ شد | فضای جهان آنچنان تنگ شد |
| که با بره شیر فلک آرمید | کمر بر کمریند جوزا رسید |

و لوای نصرت‌انتمای مبارک را به دست فرزند قره العین خود، محمد حنغیه سپرد و نقش توهّمات و شبهات را از لوحه خاطرش سترد و لوا از دست فرزند دست خدا، سربلند شد و فرزند شیر خدا را لوای پدر بمانند سربلندی حاصل و فیروزمند گردید که محمد حنغیه با علم روانه و چون قدری راه رفت، توقف نموده و گفت هده واللّه الفتنه

العمیا. به خدا قسم که این فتنه بسیار تاریک است و راه آگاهی در او پیدا نیست. پس شیر خدا به آن شیرپچه ظفرپیرا فرمودند که

إِقْتَحِمِ لَا أُمَّ لَكَ أَنْ تَكُونَ فَتَنَةً ابُوكَ قَائِدُهَا وَ سَابِقُهَا
إِطْعَنَ بِهَا طَعْنَ ابِيكَ تَحْمَدًا لِأَخِيرٍ فِي الْحَرْبِ إِذَا لَمْ تُوقَدَا

که نفیر نای بلندآوای شد و ناله کره‌نای، آسمان‌گرای. خروش کوس مردان سختکوش را به خروش و جوش درآورد و نعره تندر، مبارزان دلاور را به فتح و ظفر اشارت کرد» (همان: ۶۳).

تکرار: روضه‌خوان و روضه‌نویس مثل تمام اهل منبر، برای جایگیر ساختن مطلبی در ذهن خوانندگان، گاه به تکرار روی می‌آورد و یک مطلب واحد را با عبارات گوناگون بازگو میکند. در تمام تکرارهای شریف کرمانی غرضی بلاغی نهفته است و وی به نقش هنری و ارزشهای بلاغی تکرار کاملاً آگاه است. «تکرار به خواننده امکان میدهد تا در باب آنچه بیان میشود، قدری بیشتر تأمل نماید. موضوع در ذهن او تثبیت شود و البته تکرار، به زیبایی نثر نیز کمک وافری مینماید. تکرار از یک سو ریشه در زمینه داستانگونه اثر دارد و از سوی دیگر، به درنظر گرفتن حال مخاطب عادی مربوط میشود و به او کمک میکند تا در فضای بازتری موضوع را ادراک و دنبال نماید» (زرین‌کوب، ۱۳۸۲: ۱۲۷). بعنوان مصداق، این بخش از روایت شهادت حضرت رسول اکرم -صلی الله علیه و آله- درباره وصایت و جانشینی امیرالمؤمنین، که بارها به طرق مختلف تکرار شده است، بسنده است: «حضرت فرمود که بلی چنین است. ایشان عرض کردند که یا رسول الله آیا کسی را بجهت ما و امت، خلیفه و جانشین خود گردانیده‌اید و به عهده کسی مقرر و معین فرموده و به انجام رسانیده‌اید؟ حضرت فرمودند: بلی، خلیفه آن کسی است که نعلین مرا پینه میکند و اصلاح جامعه من میکند. بعد از آنکه ایشان برخاستند، چون به در رسیدند، دیدند که علی ابن ابی طالب نعلین آن حضرت را پینه میکند و جامعه آن حضرت را اصلاح میکند» (همان: ۱۲۰).

نمونه‌ای دیگر از تکرار، شهادت ام سلمه بر قول حضرت رسول اکرم -صلی الله علیه و آله- مبنی بر وصایت امیرالمؤمنین، علی علیه‌السلام، است:

«ام سلمه گفت: به خاطر داری روزی که در سفر در خدمت حضرت رسول، من و تو بودیم و در منزلی فرود آمده بودیم و در خدمت آن جناب نشستیم، مکالمه مینمودیم و علی ابن ابیطالب (ع) در زیر درختی نشسته و نعلین آن حضرت را اصلاح میکرد؟ در آن وقت پدر تو و عمر آمدند و اذن ورود خواستند و من و تو رفتیم داخل پرده شدیم. ابوبکر و عمر آمده در خدمت آن جناب نشستند و از هر مقوله صحبت در میان آمد و تحقیقات بسیار از آن جناب کردند و آخر الامر به مقام این تحقیق برآمدند که میخواهیم بدانیم که چند مدت دیگر در خدمت با رفعت بوده و بعد از آن، یعنی بعد از رحلت، خلیفه آن جناب کیست که پشت و پناه ما باشد و احکام الهی را تمام نموده و شناسد؟ حضرت فرمودند که من خلیفه خود را معین نموده، وصی خود را که خدا کرده است، شناختم» (همان: ۱۲۳).

حسی کردن مطالب: از آنجاکه مخاطبان مجالس غالباً مردم عامه و متوسط جامعه هستند، و آنان یارای شنیدن استدلالهای عقلی و مطالب معقول را ندارند، گوینده مجلس میکوشد مطالب را برای آنها حسی و ملموس کند و بجای استدلال، با مثال و تمثیل و تشبیه، مطلب را تبیین نماید. این شیوه علاوه بر روشن ساختن موضوع، بر شعرگونگی و جاذبه آن نیز میفزاید (غلامرضایی، ۱۳۸۷: ۲۷۳). استفاده از بیان عینی بجای بیان ذهنی مهمترین شگرد برای حسی کردن مطالب است. «در نوشته عینی، نویسنده صحنه‌ای یا موضوعی را جزء به جزء مینویسد، بگونه‌ای که شنونده یا خواننده بتواند بخوبی آن موضوع یا صحنه را در نظر مجسم کند و بهمان خوبی و وضوحی

که نویسنده آن را ادراک کرده یا در جهان واقع شده است، آن را در ذهن خود ترسیم نماید» (شریعت، ۱۳۷۱: ۷۲). شریف کرمانی پس از ذکر منابع خود، به بیان سخن گفتن آفتاب با حضرت علی -علیه السلام- پرداخته و گفته است: «چون نمازگزار، آثار انوار جمال کرّار غیر فرّار را دید و عمر را در خدمت آن جناب چون سایه و آفتاب نگرید، بی‌اختیار در دل گفت که

دیدم که یار می‌رود و از پیش رقیب / گفتم که عمر می‌رود و مرگ در قفاست

خورشید رخسار را با سحاب مظلم، با هم، توأمان یافت و نوری از انوار ازل در مکمن خاطرش تافت که:

در نمازم خم ایروی تو در یاد آمد / حالتی رفت که محراب به فریاد آمد

نماز را تمام و سلام داد» (همان: ۱۵۰).

بهره‌گیری از اساطیر و عناصر شاهنامه‌ای: حضور چشمگیر شاهنامه و عناصر اساطیری آن در تمام ادبیات حماسی فارسی امری غیرقابل انکار است. روح ایرانی در ورای معانی ظاهری داستانهای شاهنامه، معانی جاودانه و عمیقی را می‌جسته و مییافته که برای همه بشریت با هر نژاد و رنگ و خون و با هر زبان و ملیتی مهم و ارزشمند است. قهرمانان این اثر سترگ، تنها قهرمان داستان خود و محصور به زمان خویش نیستند. گویا آنها نیامده‌اند تا فقط نقش خود را بازی کنند و برای همیشه بروند، بلکه آمده‌اند تا ضمن ایفای نقش جزئی خود، برای همیشه در فرهنگ و خاطر ایرانیان بمانند و تیپهای گوناگون فکری و اندیشگی را نمایندگی کنند. فردوسی با بیان تمثیلی و نمادین خود، اثر عظیم خویش و قهرمانان قوم ایرانی را جاوید و جهانی کرده است (صرفی، ۱۳۹۹: ۳۷). بهمین سبب است که شریف کرمانی نیز بی‌مهابا و آگاهانه به پیوند بین حماسه ملی ایرانیان و بیان حماسه جهانی امیرالمؤمنین -علیه السلام- اقدام میکند و به طریق تلمیح و ترکیب، عناصر حماسه ملی را در شکوفایی و آراستن صحنه و بیان احساسات خود از به مسند خلافت نشستن علی علیه‌السلام بروز میدهد: «از آنکه کیقباد و هر نامرد اهل عناد و فساد را به مرام و مراد رسانید و کاووس کی زمانه پروای آبروی دین و ایمان را طی و اهالی هر قبیله و حی را به فسون و فسوس پیایی قرین گردانید، کاوه آهنگر دوران آهن وجود آهن‌دلان ستمکار را ضحاک‌وار به کوه دماوند غم و اندوه محبوس نمود و ولیدبن عتبه و مروان حکم که چون بلای مُبرم و قضای محکم بودند و مارهای دوش خلیفه ضلالت‌شیم مینمودند و از خوردن مغز کله‌داران عالم دمی نمی‌آسودند، از بیم و واهمه فریدون‌صفتان فرخنده‌فال فرسودند. ستمگران غدار که افراسیاب‌وار ایران شرع و دین را خراب نموده بودند، از تخت جمشید حیات به تخته تابوت ممات رخت کشیدند و کیخسرو ایام، مظلمه خون سیاوش اهل هوش را مجازات و کیفر کرد و منوچهر مینوچهر سپهر ظالمان بی وفا و مهر را به ورطه مکافات آورد که لله الحمد تاجبخش سلاطین عرب و عجم از ملک کسری و جم باجگیر آمد. چرخ پیر بر وفق خواهش نیک‌نهادان روشن‌ضمیر کرد و از این روش آنها را منت‌پذیر آورد که حق بر مرکز قرار گرفت و جهان از جهان‌داریش مانده در شگفت که:

چون نوبت دیگران درگذشت / دگر نوبت پاک دادار گشت» (مفتاح‌الفتوح: ۱۰۷)

و چگونگی عزیمت امیرالمؤمنین علیه‌السلام برای نبرد با طلحه و زبیر را اینگونه شرح میکند: «که ناصر دین مبین و نصیر ملت خیرالمرسلین با بهادران رستم‌توان و هژیران تهمتن‌نشان، بسته‌میانند و بجانب آن ساحت و سامان روان. طلحه طالح را شور محشر به جان افتاد و زبیر ناموافق را زبیر زمانه و نفیر زفیر بیکرانه روی به خاطر نهاد، در جوش و خروش شدند و با توابع و لواحق نالایق خود، از بصره به صحرا روی نمودند» (همان: ۱۵۲).

بکارگیری تلمیح‌وار و مناسب عناصر شاهنامه‌ای و اشاره‌های گذرای شریف کرمانی به وقایع و داستانهای شاهنامه از دو نمونه فوق‌بخوبی برمی‌آید و نشان می‌دهد که وی تا چه حد با شاهنامه و فضای داستانی و اساطیری آن آشنایی داشته است. در واقع پیوند بین مذهب و ملیت در تمامی آثار او بنحو چشمگیری حضور و بروز دارد.

ساختن ترکیبات بدیع و خوش‌آهنگ: شریف کرمانی که قدرت و توانمندی خود را بر مُلک سخن به اثبات رسانیده است، با تسلطی فوق‌العاده از تمام امکانات و توانمندیهای زبان فارسی بهره میگیرد و نشان می‌دهد که براساسی بزرگترین نعمتی که خداوند بعد از حیات و هستی به انسان بخشیده، نعمت زبان است. قدرت واژه‌گزینی و ساختن ترکیبات جدید و رعایت تناسب حداکثری زبان با معنا، یکی از ویژگیهای کم‌نظیر این اثر سترگ است. چنانکه بعنوان نمونه، در عبارات زیر مشاهده میشود:

«شاه اولیا از خانه زبیر که بدتر از بتخانه بود و از دیر بدتر مینمود، تشریف شرافت‌توصیف، به خانه ارم نشانه بردند» (همان: ۸۹).

«چون به ابواب الجنان دولتخانه خلدنشانه رسید، مقارن این حال، عبدالله عباس از مکه آمده، شرفیاب عتبه گردون‌مماس اشرف ناس گشت» (همان: ۱۰۹).

یکی از شیوه‌های مهم و اصلی زبانی این کتاب ترکیب‌سازیهای نویسنده است. غالباً با جابجایی محل مضاف و مضاف‌الیه یا صفت و موصوف و حذف کسره اضافه، نویسنده به ساختن ترکیباتی بدیع و خوش‌آهنگ نایل شده است. ترکیباتی نظیر «جهالت‌اندوزان تیردوز خرمن‌سوز؛ شاهنشاه سپهراحتشام، کیخسروغلام و مسعودپلنگ» در عبارات زیر برای نشان دادن این ویژگی فراگیر در مفتاح الفتوح بسنده است:

«شقاوتش در نمود جهالت‌اندوزان تیردوز خرمن‌سوز که تو زوجة رسول خدایی و از زوجات سید دو سرا. آنچه کنی در نزد مردم مرغوب و دشمنان ولی خدا را مطلوب» (همان: ۱۲۸). در زیر تنها به ذکر واژه‌ها و ترکیبات خاصی که در یک صفحه از کتاب بکار رفته و در تمام اثر با بسآمد بالا دیده میشود، بسنده میکنیم؛ ترکیبات صفحه ۹۳ نسخه خطی فهرست‌وار به قرار زیر است:

«فزون از مور و مار»، «متحدان روشن‌رای»، «موحدان وحدت‌پیرای»، «بداندیشان ناصاف»، «وجود فایض‌الجود»، «طلیعه جمال عديم‌المثال»، «حضرت رسالت‌پناهی»، «گوشزد روشن‌دلان صافی‌ضمیر»، «صورت‌نگار»، «نکته‌سنجان نکته‌دان»، «پیمان‌گرا»، «فیض‌یاب»، «شادی‌کنان»، «فوج‌فوج»، «پلاتحاشی»، «یکتای بیهمتا»، «جهان‌پهلوان‌آشتر نامور»، «ضلال‌قرین» و ...

اشاره به این نکته نیز ضروری است که شریف کرمانی مانند بسیاری از نویسندگان هم‌دوره خود (بویژه نویسندگان آثار مذهبی) از کلمات و عبارات عربی بکرات بجای واژگان متداول فارسی استفاده کرده است، چنانکه موارد زیر بیانگر این امر هستند:

«بجهت آنکه با علی صلوات الله و سلامه علیه حرب نمود و از جمله خوارج صقین است» (همان: ۱۲).
«بنی مخزوم که بنی اعمام او بودند از این فقرات محزون و حزن ایشان باعث وقوع مفسد عظیمه گردید» (همان: ۴۸).

«در خدمت پدرم مشغول اکل بودیم که خادمی آمد که عثمان بر در ایستاده و اذن میطلبد» (همان: ۵۵).

«مردم هر دیار از اعزه و اعیان بلاد و امصار که در آن جمع از حضار بودند» (همان: ۸۹).

در نمونه زیر جز حروف ربط و فعل، تمام واژگان عربی هستند. نکته قابل تأمل آن است که در برابر هریک از این نوع کلمات، معادل‌های دقیق فارسی وجود دارد و نویسنده با اهداف بلاغی خاص، استفاده از کلمات عربی را در این نوع

استعمالات بر کلمات فارسی ترجیح داده است: «اهتمام در امنیت معابد و مسالک و رفاه حال عجزه و ملهوفین ممالک آوردند» (همان: ۲۰۳).

استفاده فراوان از آرایه‌های آوایی و موسیقایی: بخش مهمی از آرایه‌های بدیع لفظی برای غنی ساختن جنبه‌های موسیقایی و لفظی مورد استفاده قرار میگیرند و به زبان برجستگی و تشخیص ویژه میبخشند. از جمله این آرایه‌ها میتوان به جناس، سجع، موازنه و واج‌آرایی اشاره کرد. پرکاربردترین آرایه بدیعی در مفتاح‌الفتوح جناس و سجع است. بهره‌گیری فراوان از سجع، باعث ایجاد جمله‌های مشابه و قرینه میشود. همچنین زمینه ورود واژه‌های مشابه در آخر قرینه‌ها را که در وزن یا حرف یا هر دو، هم‌خوانی دارند، فراهم میسازد و بدین ترتیب بر جنبه‌هایی موسیقایی کلام میفزاید و آن را متناسب با بیان حماسی مینماید (وحیدیان کامیار، ۱۳۷۹: شماره ۱۵). نثر مسجع نثری است آهنگین و شعرگونه که از موسیقی قافیه و ترفندهای ادبی و ظرایف بلاغی بهره دارد. زبان در نثر مسجع معمولاً عاطفی است نه خبری؛ زیرا سجع با مضامین خبری صرف تناسبی ندارد (همانجا). در زیر به ذکر دو نمونه از سجع در این کتاب بسنده میکنیم:

«خلافت و وصایت موافق وصیت حضرت رسالت، مخصوص شاه ولایت است و بیعت مسلمین و امارت کافه مؤمنین، منصوص بر شهریار کشور امامت و ساقی میخانه طهور، شایسته این کرامت نامحصور است نه دیگران (مفتاح‌الفتوح: ۶). در نمونه‌ای دیگر میگوید: «طلحه بسیار متلف و مال مردم را مسرف و صاحب شهوت است؛ و زبیر عوام در شجاعت تمام و درشتخو و درشت کلام و بخیل است و لثامت را کفیل و سعدبن ابی وقاص، جبان و ترسان است و فتنه‌انگیزی از او عیان و عبدالرحمن عوف خفیف‌الرأی و ضعیف‌الآرای خویشتن‌بین است» (همان: ۲۶-۲۷).

جناس با استفاده از دو یا چند واژه که از نظر صوتی مشابه و از نظر معنایی تفاوت داشته باشند، ایجاد میشود. گونه‌های مختلف جناس دستمایه شریف کرمانی در آهنگین نمودن کلام شده است. در جناس، یکسان بودن دو یا چند واژه در واژه‌های سازنده شرط است، گرچه معنی متفاوتی داشته باشند. دو واژه هم‌جنس گاه جز معنی، تفاوتی ندارند و گاه علاوه بر معنی، در یک مصوت یا همخوان با هم متفاوتند. «جناس یکی از ابزارهای ایجاد موسیقی در کلام و از انواع قاعده‌افزایی است. جناس کارکردهای مختلفی دارد. اگرچه دو شرط «اتفاق لفظ» و «اختلاف معنی» در جناس پذیرفته شده است، با اینهمه گاه تفاوتی در تعاریف و مصادیق آن بچشم میخورد» (پورنامداریان و طهرانی، ۱۳۹۰: ۲۱). شریف کرمانی به طرفیتهای و کارکردهای بلاغی جناس آگاهی کامل داشته و از آن به شکلهای مختلف استفاده کرده است. بعنوان نمونه میگوید: «دیگر تحمل تجمل و تمول اغنیا و هواداران ... را نداریم و تاب این مشقت و زحمت را نمی‌آریم» (مفتاح‌الفتوح: ص ۳۶) و در جایی دیگر گفته است: «به خاطر تو خطور میکند که در مخاطرات از خطرات خواهی رست و فارغ‌البال و آسوده‌احوال، امر خلافت تو بدین منوال خواهد گذشت» (همان: ۴۰). بعنوان نمونه‌ای دیگر:

«بدانید که مخاصمت و معاندت با خلیفه زمان وبال و نکال عظیم دارد و مرد دانا و خردمند این کار را از جمله خطیئات و عمل مردم لئیم می‌شمارد و کسانی که این عمل را ارتکاب کرده و از لجاجت و عناد اجتناب نکرده‌اند، آخر الامر به عذاب قادر قهار و به عقاب قاهر جبار، معذب و معاقب خواهند بود و آنچه شما با مباشر و عاملین آنجا نموده‌اید، بر من ظاهر و باهر گشته و بدانید که هر چه کرده‌اید، به خود کرده‌اید» (همان: ۷۲).

شریف به استفاده از آرایه‌های مراعات نظیر یا تناسب آوردن واژه‌هایی از یک دسته، توجه ویژه دارد. این آرایه زمینه تداعی معانی را برای وی فراهم میکند و در مفتاح‌الفتوح بسیار یافت میشود. بعنوان نمونه میگوید:

«تمامی را به مسجد خواند و همچنین اعظام و اکابر و بر و فاجر و اصحاب و احباب و ابرار و اخیار و اشرار و فجار، همگی را به مسجد احضار و خواست» (همان: ۹۶).

«در تهیة اسباب و آلات مجادله و محاربه اشتغال نمودند و آن شب از شوق فتح و نصرت سلطان سریر امامت و مظفر و منصور گشتن لشکر سعادت‌اثر، خسرو زنگبار، چادر ظلمت بر سر زمانه کشید و کارنامه خود را در تیرگی و تاریکی ظاهر گردانید» (همان: ۱۶۸).

«چون حدیث عجز و انکسار و لابه و افتقار خلیفه به شاهنشاه دلدل سوار رسید از راه رحم و مروت و کرم و قوت که سرشته فطرت و آغشته طبیعت اشرف بود، قدم‌رنجه فرمودند» (همان: ۷۷).

استفاده از آرایه‌های بیانی از قبیل گونه‌های مختلف استعاره، تشبیه، مجاز و کنایه که لازمه هر نوع بیان ادبی است در این اثر بوفور دیده میشود.

نتیجه‌گیری

مفتاح‌الفتوح نسخه‌ای بازمانده از قرن سیزدهم هجری است. این نسخه فاقد تزئینات است و به خط نستعلیق تحریری نوشته شده است. عبارت‌پردازیهای بدیع و ترکیب‌سازیهایی نو، بهره‌گیری از باورهای عامیانه و بکارگیری اشارات و تلمیحات نادر بر اهمیت بررسی این نسخه خطی افزوده است. محمدحسین شریف کرمانی، مؤلف این کتاب، معاصر فتحعلی شاه قاجار است و مدتی را در دستگاه او به شغل دیوانی مشغول بوده است. با محاسبه تاریخ نگارش کتاب و اشارات مؤلف میتوان تولد وی را در حدود سال ۱۲۰۰ هجری شمسی برآورد نمود. وی از علما و واعظان شیعه دوازده‌امامی عصر خود بوده و علاوه بر کتاب حاضر، دو کتاب «روضه الحسینیة» و «ریاض الفضائل» را نیز به رشته تحریر درآورده است.

شریف کرمانی سبب تألیف کتاب را رؤیای صادقه یکی از دوستان واعظ خود برشمرده که مؤلف را در محضر امام زمان (ع) دیده و همچنین در همان رؤیا امیرالمؤمنین (ع) داستان معاویه و رزم صفین را بیان مینموده است. مؤلف پس از مدتی شروع به نوشتن کتاب حاضر کرده و چون پس از اتمام این رساله، از تهران و گرفتاریهای آن خلاص شده، کتاب را «مفتاح/الفتوح» نام نهاده است. محتوای کتاب «مفتاح/الفتوح» جنگها و معجزات امام علی (ع) است. داستان خلافت ابابکر و عمر و عثمان و نحوه به حکومت رسیدن هر کدام و رفتارهای آن سه نفر پس از رحلت رسول اکرم (ص)، سوءرفتار عثمان با صحابه پیامبر و سرانجام چگونگی به حکومت رسیدن امام علی (ع) و اصرار آن حضرت بر اجرای عدالت و نارضایتی اصحاب از عدالت امیرالمؤمنین (ع) و مصاف آنها با حضرت علی (ع) به بهانه خونخواهی عثمان و شرح جنگ جمل و صفین بابهای تشکیل‌دهنده این کتاب هستند.

روایتهای تاریخی *مفتاح/الفتوح* بر نقل قولهایی از کتب تاریخی معتبر شیعه و سنی از جمله کتاب *الفی* استوار است. *مفتاح/الفتوح* بدلیل تلاش مؤلف برای تزیین کلام و بکارگیری ترکیبات و عبارات بدیع و استفاده از الفاظ و مضامین قرآنی و خطبه‌های *نهج‌البلاغه* و همچنین آوردن اشعار زیبا از شاعران سرآمد فارسی همچون فردوسی، مولوی، حافظ، و سنایی، شاهد آوردن آیات و احادیث و ترکیبهای زیبا در مدح علی (ع) سبکی ممتاز دارد.

مشارکت نویسندگان

این مقاله از رساله دوره دکتری زبان و ادبیات فارسی مصوب در دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید باهنر کرمان استخراج شده است. آقای دکتر محمدرضا صرفی راهنمایی این رساله را برعهده داشته و طراح اصلی

این مطالعه بوده‌اند. آقای محمود وهابی گوکی بعنوان پژوهشگر این رساله در گردآوری داده‌ها و تنظیم متن نهایی نقش داشته‌اند. آقای دکتر عنایت الله شریف‌پور به عنوان مشاور نیز در تجزیه و تحلیل داده‌ها و راهنماییهای تخصصی این پژوهش نقش داشته‌اند. در نهایت تحلیل محتوای مقاله حاصل تلاش و مشارکت هر سه پژوهشگر بوده‌است.

تشکر و قدردانی

نویسندگان بر خود لازم میدانند مراتب تشکر خود را از مسئولان آموزشی و پژوهشی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید باهنر کرمان که نویسندگان را در انجام و ارتقاء کیفی این پژوهش یاری دادند، اعلام نمایند.

تعارض منافع

نویسندگان این مقاله گواهی مینمایند که این اثر در هیچ نشریه داخلی و خارجی به چاپ نرسیده و حاصل فعالیت‌های پژوهشی تمامی نویسندگان است، و ایشان نسبت به انتشار آن آگاهی و رضایت دارند. این تحقیق طبق کلیه قوانین و مقررات اخلاقی اجرا شده و هیچ تخلف و تقلبی صورت نگرفته است. مسئولیت گزارش تعارض احتمالی منافع و حامیان مالی پژوهش به عهده نویسنده مسئول است، و ایشان مسئولیت کلیه موارد ذکر شده را بر عهده میگیرند.

یادداشت

در جلد سوم کتاب *تراجم الرجال*، صفحه ۲۱۳، در معرفی شریف کرمانی آمده است: محمدحسین بن محمدعلی الشریف الکرمانی متولد سنه ۱۱۹۰. محمدشریف بن محمدطاهر الکرمانی فاضل متبّع، اَدیب جید الانشاء بالفارسیه، من خطباء المنبر الحسینی و ینعت الخطباء بعدم التثبیت فیما یقرؤون، من أعلام أواخر القرن الثالث عشر ظاهراً. له «مخازن الأحزان فی مصائب سید شباب أهل الجنان» و «مصابیح انوار در فضایل و مناقب ائمه اطهار. لعله المترجم فی «الکرام البرره» ص ۶۱۸. (تراجم الرجال، ج ۳: ۲۱۳).

بر اساس این نقل که از تذکرات داور محترم مقاله است، با دو شریف کرمانی در تاریخ مواجه میشویم. یکی محمد شریف بن محمدطاهر کرمانی و دیگری محمدحسین شریف کرمانی که موضوع گفتار حاضر است. درباره وی در همان کتاب آمده است: کان کاتب الدیوان بکرمان، ثم انتقل إلى طهران مشغلاً بالوظائف الحکومیة، و بعد سنین عاد إلى وطنه. له اشتغال بالوعظ و المنبر الحسینی، و يبدو أنه کان کثیر القراءة فی الکتب واسع الاطلاع فی مختلف العلوم الدینیة، ذا ولاء شدید بأهل البيت علیهم السلام. له «الروضه الحسینیة» و «ریاض الفضائل فی فضائل ائمه الوسائل» و «سفینه النجاه» و «مفتاح الفتوح» فی أربعه اجزاء و «تاریخ کرمان» و «مسره القلوب» ألفه ۱۲۶۶ و هو فی السادس و السبعین من عمره (همان: ۲۱۴).

و درباره محمد شریف بن محمد طاهر در تراجم الرجال آمده است که: له «مخازن الأحزان فی مصائب سید شباب أهل الجنان» و «مصابیح انوار در فضایل و مناقب ائمه اطهار». (همان: ۲۱۳).

REFERENCES

- Gholamreza'ei, Mohammad. (2008). narration and its methods based on Rumi's seven Majales Sabea, *Journal of Humanities*, Shahid Beheshti University, No. 57. pp.257-278.
- Guiraud, Pierre. (2020). Semiotics, translated by Mohammad Nabavi, Tehran: Agah.
- Hasheminejad, Alireza. (2020). The ups and downs of transcription in Iran, Tehran, the center of printing and publishing the Holy Quran.
- Nafisi, Sa'eed. (1963). on the history of Bayhaqi, Tehran: Foroughi Bookstore.
- Pournamdarian, Taqi & Tehrani Sabet, Nahid. (2011). Another Look at Pun, *Journal of Fonon Adabi*, Spring and Summer, 3 (1).
- Rafiei, Adel & Sahraei, Rezamorad. (2013). Persian Language, Science Langage, Tehran: Publications of the Scientific Policy Research Center.
- Sarfi, Mohammad Reza. (2020). Introduction to the correction of Hosseinieh Haram, Kerman: Shahid Bahonar University of Kerman.
- Shari'at, Mohammad Java. (1992). Rite of Writing, Tehran: Asatir.
- Sharif Kermani, Mohammad Hossein. (1878). Rozat Al-Hosseinieh, manuscript, Tehran: Library of the Islamic Consultative Assembly.
- Sharif Kermani, Mohammad Hussein. (1878). Meftah al-Futuh, manuscript, Isfahan: Isfahan University Library.
- Sharif Kermani, Mohammad Hussein. (1878). Meftah al-Futuh, manuscript, Qom: Ayatollah Mar'ashi Najafi Library.
- Sharif Kermani, Mohammad Hussein. (1878). Riyaz Al-Fazaiel, manuscript, Tehran: Library of the Islamic Consultative Assembly.
- Vahidian Kamyar, Taghi. (2000). Let's know Persian prose poem, *Name Farhangestan*, No. 15, pp.58-77.
- Zarrinkoob, Abdolhossein. (1985). mystery of reed, Tehran: Elmi.
- Zarrinkoob, Abdolhossein. (2003). Step by Step to God Meet, Tehran: Elmi.

فهرست منابع فارسی

- پورنامداریان، تقی، و طهرانی ثابت، ناهید، (۱۳۹۰)، نگاهی دیگر به جناس، مجله فنون ادبی، بهار و تابستان، (۱) ۳، صص ۲۸-۲۱.
- رفیعی، عادل و صحرايي، رضامراد، (۱۳۹۲)، زبان فارسی زبان علم، تهران: انتشارات مرکز تحقیقات سیاست علمی کشور.
- زرین کوب، عبدالحسین، (۱۳۸۲)، پله پله تا ملاقات خدا، تهران: علمی.
- زرین کوب، عبدالحسین، (۱۳۶۴)، سرّ نی، تهران: علمی.
- شریعت، محمدجواد، (۱۳۷۱)، آیین نگارش، تهران: اساطیر.
- شریف کرمانی، محمدحسین، (۱۲۵۷)، روضه الحسینیه، نسخه خطی، تهران: کتابخانه مجلس شورای اسلامی.
- شریف کرمانی، محمدحسین، (۱۲۵۷)، ریاض الفضایل، نسخه خطی، تهران: کتابخانه مجلس شورای اسلامی.
- شریف کرمانی، محمدحسین، (۱۲۵۷)، مفتاح الفتوح، نسخه خطی، اصفهان: کتابخانه دانشگاه اصفهان.
- شریف کرمانی، محمدحسین، (۱۲۵۷)، مفتاح الفتوح، نسخه خطی، قم: کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی.

صرفی، محمدرضا، (۱۳۹۹)، مقدمه تصحیح روضه حسینیّه، کرمان: انتشارات دانشگاه شهید باهنر کرمان.
غلامرضایی، محمد، (۱۳۸۷)، مجلس‌گویی و شیوه‌های آن براساس مجالس سبعة مولوی، پژوهشنامه علوم انسانی
دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۵۷. صص ۲۷۸-۲۵۷.
گیرو، پیر، (۱۳۹۹)، نشانه‌شناسی، ترجمه محمد نبوی، تهران: آگاه.
نفیسی، سعید، (۱۳۴۲)، در پیرامون تاریخ بیهقی، تهران: کتابفروشی فروغی.
هاشمی‌نژاد، علیرضا، (۱۳۹۹)، فرازوفروند نسخ‌نویسی در ایران، تهران: مرکز طبع و نشر قرآن کریم.
وحیدیان کامیار، تقی، (۱۳۷۹)، نثر مسجع فارسی را بشناسیم، نامه فرهنگستان، (۳) ۴، صص ۷۷-۵۸.

معرفی نویسندگان

محمود وهابی گوکی: دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهید باهنر کرمان، کرمان، ایران.

(نویسنده مسئول: Email: mvahabi@enc.uk.ac.ir)

محمدرضا صرفی: استاد گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهید باهنر کرمان، کرمان، ایران.

(Email: msarfi@uk.ac.ir)

عنایت‌الله شریف‌پور: دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهید باهنر کرمان، کرمان، ایران.

(Email: esharifpur@uk.ac.ir)

COPYRIGHTS

©2021 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited. no permission is required from the authors or the publishers.

Introducing the authors

Mahmoud Wahhabi Goki: PhD Student, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, Shahid Bahonar University of Kerman, Kerman, Iran.

(Email: mvahabi@enc.uk.ac.ir : Responsible author)

Mohammad Reza Sarfi: Professor, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, Shahid Bahonar University of Kerman, Kerman, Iran.

(Email: msarfi@uk.ac.ir)

Enayatollah Sharifpour: Associate Professor, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, Shahid Bahonar University of Kerman, Kerman, Iran.

(Email: esharifpur@uk.ac.ir)